

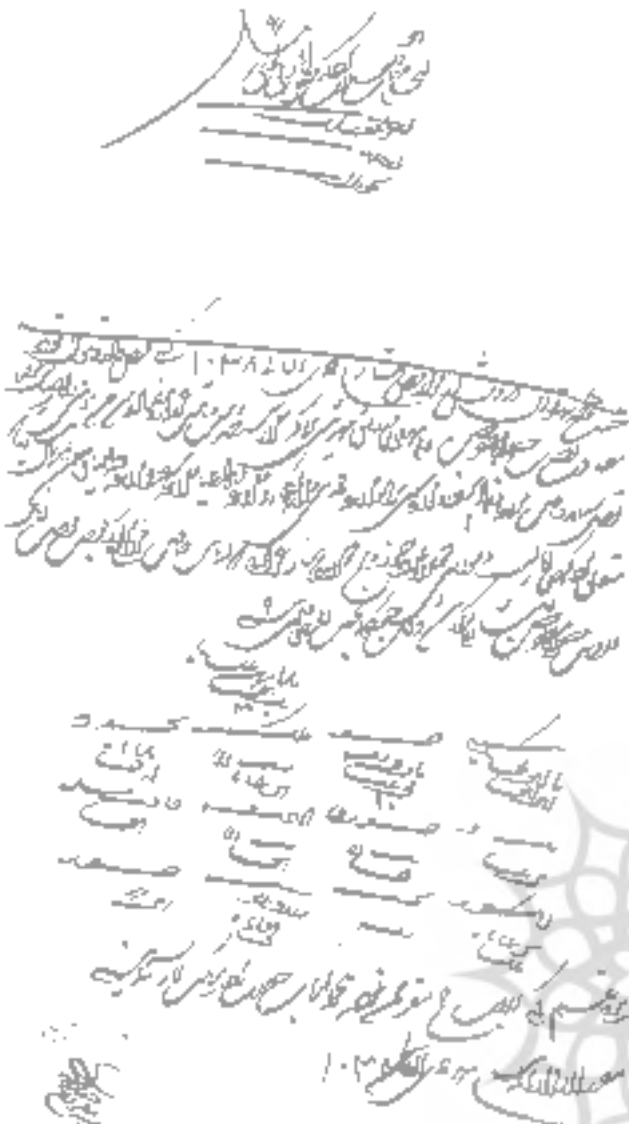
نسخه‌های خطی؛ میراث گرانبهای فرهنگ ایران

ترقیمه‌نویسی نسخه‌های خطی

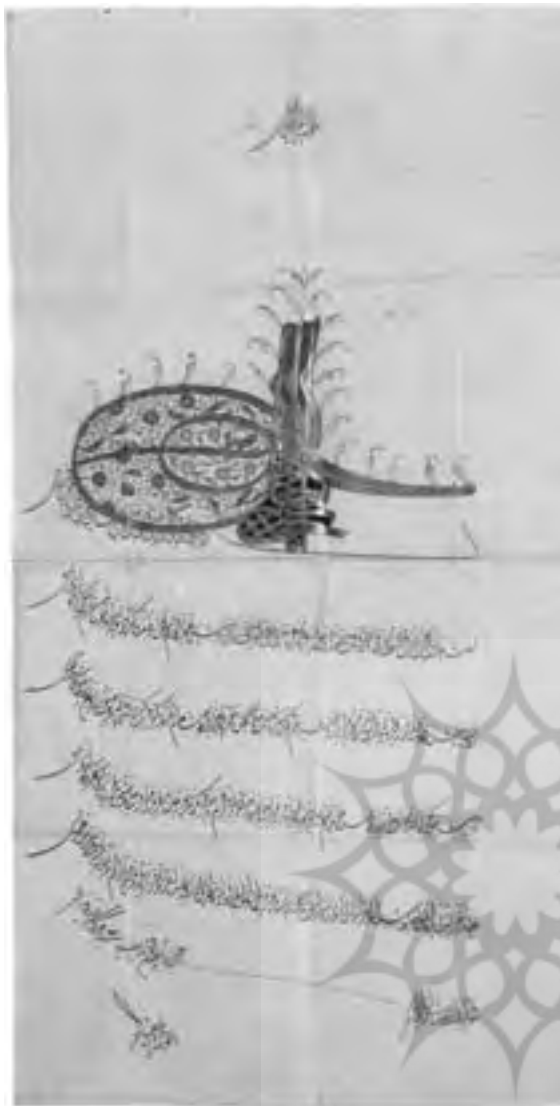
عارف نوشاهی

اشاره

گنجینه عظیم ادب و فرهنگ ایران در میان آثار به‌جا مانده از زمان‌های گذشته میان ملل و فرهنگ‌های دیگر جهان، بی‌نظیر یا کم‌نظیر است. بخش زیادی از این میراث گرانبسته هنوز به صورت دستنوشته در موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان نگهداری می‌شود. انتشار این آثار و تصحیح آثار به‌جا مانده از ادیبان و دانشمندان مسائل متعددی را پیش روی پژوهشگران این حوزه قرار می‌دهد؛ به‌طوری که اکنون بحث نسخ خطی و مسائل مربوط به آن مورد توجه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف است. آشنایی با مراکز نگهداری نسخ خطی، دستیابی به فهرست این آثار و از همه مهمتر دستیابی به خود نسخ خطی، شیوه‌های علمی استفاده از نسخ خطی برای تصحیح و انتشار آثار - که امروز باید بحث آن را یکی از شاخه‌های مهم نقد ادبی محسوب داشت - و مسائلی از این دست، از مباحثی است که مورد توجه و علاقه پژوهشگران، استادان و دانشجویان ادبیات فارسی است، چرا که در تاریخ نقد متون و تصحیح نسخ خطی استادان ادبیات پیشگام بوده‌اند و حتی بسیاری از آثار غیرادبی را نیز استادان ادبیات تصحیح و منتشر نموده‌اند. یکی از مهم‌ترین مراکزی که نسخ خطی با ارزشی در همه زمینه‌ها از جمله در موضوع زبان و ادبیات در آن نگهداری می‌شود سازمان اسناد و کتابخانه ملی



جمهوری اسلامی ایران است. کتابخانه ملی فعالیت‌های متعددی در این زمینه انجام می‌دهد. یکی از این فعالیت‌ها، برگزاری دوره‌های آموزشی برای فعالان این بخش است. از جمله دوره‌های آموزشی که در کتابخانه ملی برگزار شد، «کارگاه تخصصی فهرست‌نویسی نسخ خطی» بود که در ۱۴ و ۱۵ مرداد ماه امسال به همت بخش نسخ خطی کتابخانه ملی برگزار شد. در این کارگاه تخصصی، آقای عارف نوشاهی نسخه‌پژوه پاکستانی درباره «نقش انجامه در فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی»، پروفیسور عثمان کریم‌اف، نسخه‌پژوه تاجیک درباره «فهرست‌نویسی تذکره‌ها و دیوان‌ها»، آقای دکتر حبیب‌الله عظیمی درباره «فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی بر اساس مارک و نقش کاغذ در تاریخ نسخه‌پردازی ایران» و استاد احمد منزوی درباره «فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی مجهول» مباحثی را مطرح کردند. به سبب اهمیت موضوع در آشنایی پژوهشگران و علاقه‌مندان به تصحیح نسخ خطی و احیای میراث گرانبهای ادبی و فرهنگ ایران زمین و اهمیت ترقیمه‌های نسخه‌های خطی در شناخت هویت نسخه بویژه دیوان‌های شاعران و شناسایی نویسندگان و موقعیت تاریخی مؤلف، بخش‌هایی از مباحث مطرح در این دوره آموزشی توسط استاد عارف نوشاهی ارائه می‌گردد.



ترقیمه به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است. تعریفی که من انتخاب کرده‌ام از استاد نجیب مایل هروی از نسخه‌شناسان معاصر و مصحح متون خطی است. استاد مایل هروی می‌گوید: «ترقیمه به واقع شناسنامه نسخه‌های خطی محسوب می‌شود که هم زمان و مکان کتابت را اخبار می‌کند و هم نام و نشان کاتب و نسخه‌نویس را و نیز در مواردی موقع و موضع فرهنگی مؤلف و عنوان اثر او را می‌نمایاند و از حساس‌ترین مندرجات نسخه خطی به شمار می‌رود.» یا در جایی دیگر می‌نویسد: «ترقیمه نسخه‌های خطی چونان شناسنامه آنهاست، زیرا هویت نسخه را می‌توان با توجه به کمیت و کیفیت ترقیمه‌ها شناخت - مثلاً اگر کاتب یا نسخه‌نویس اهل فضل بوده و به ساخت زبانی و معنوی کتاب آشنا بوده باشد، در ترقیمه‌اش به نوشتن دو سه عبارت کلیشه‌ای بسنده نمی‌کند... و از نام خود و زمان و مکان کتابت و گاهی از نام کتاب و مؤلف یاد می‌کند.»

حال می‌پردازیم به اجزای ترقیمه. یک ترقیمه نسبتاً خوب حداقل باید نام کاتب، تاریخ کتابت و محل کتابت را در بر داشته باشد. البته ترقیمه‌هایی فراتر از این اطلاعات و فرورتر از این اطلاعات نیز بسیار

از مسئولان محترم کتابخانه جمهوری اسلامی ایران سپاسگزارم که این فرصت را در اختیار ما فهرست‌نویسان و نسخه‌شناسان و کتابشناسان قرار دادند. من در این جلسه سعی می‌کنم تحقیقاتی را که در سی سال گذشته در زمینه نسخه‌شناسی انجام داده‌ام، خدمت عزیزان حاضر در مجلس معرفی نمایم. موضوعی که برای این کارگاه انتخاب کرده‌ام ترقیمه‌نویسی نسخه‌های خطی با توجه به نسخه‌های خطی فارسی شبه‌قاره است.

همان‌طور که می‌دانید یک نسخه خطی از دو دیدگاه مورد توجه است: یکی، دیدگاه کتاب‌شناسانه که متوجه متن و مضمون کتاب و مؤلف آن است و دیگری دیدگاه نسخه‌شناسانه که متوجه کیفیت ظاهری و فیزیکی نسخه است. از هر متن می‌تواند بیش از یک نسخه پدید آمده باشد و مسلماً نسخه‌ها از نظر کیفیت با یکدیگر متفاوتند. پس وقتی یک نسخه از دیدگاه نسخه‌شناسانه مورد توجه قرار می‌گیرد، باید به کیفیت ظاهری آن توجه نماییم که مثلاً در چند برگ است؟ جلد آن از چه نوع است؟ خط و مهرها و یادداشت‌های آن چگونه است؟ آیا نسخه آسیبی دیده است؟ و مهمتر از همه اینکه نسخه را چه کسی، در چه تاریخی و کجا کتابت کرده است. در ترکیب یک نسخه، قسمتی که این نوع اطلاعات مهم را در بر دارد در اصطلاح نسخه‌شناسی «ترقیمه» یا «انجامه» خوانده شده است. امروزه در کشورهای مختلف نسخه‌شناسان و فهرست‌نویسان اصطلاحاتی برای خودشان وضع کرده‌اند، برای نمونه در شبه‌قاره اصطلاح «ترقیمه» رایج است که من در اینجا به پیروی از نسخه‌شناسان شبه‌قاره از اصطلاح «ترقیمه» استفاده خواهیم کرد.

مدتی پیش به همت کتابخانه خدابخش پتنه هند، همایشی درخصوص ترقیمه‌ها و مهرها و عرض دیده‌ها برگزار شد. در این همایش، نسخه‌شناسان هند روی اصطلاحات مختلف تبادل نظر کردند و اصطلاحاتی مانند: «تام»، «تتمه»، «تمت»، «خاتمه»، «ختام»، «ختام‌الکتاب»، «ختام‌الکتابه» مطرح شد که ظاهراً به اصطلاح «ترقیمه» اتفاق نظر کردند. دکتر انصارالله، استاد دانشگاه علیگر و از نسخه‌شناسان برجسته هند در ضمن ترقیمه، سه اصطلاح دیگر را نیز مطرح کرده است. اصطلاح نخست، «ترقیمه مفرد» است که برای ترقیمه‌هایی که فقط عبارت مفرد مثل «تمام شد» یا «کتبه فلان» دارند، به کار می‌رود. اصطلاح دوم، «ترقیمه مرکب» است که برای ترقیمه‌هایی که عبارت طولانی‌تر با اطلاعات مفصل دارند استفاده می‌شود و اصطلاح سوم «ترقیمه دوگانه» است که مربوط به نسخه‌هایی است که دو ترقیمه دارد، یکی ترقیمه نسخه منقول عنه و دیگری ترقیمه خودش.



کرده باشد، نسخه از اعتبار برخوردار می‌شود؛ چنانکه امروزه از میان سه نسخه قدیم‌تر تاریخدار آثار فارسی الابنیه، مورخ ۴۴۷ ه. ق، شرح تعرف، مورخ ۴۷۳ ه. ق. و هدایة‌المتعلمین، مورخ ۴۷۸ ه. ق.، شرح تعرف و هدایة‌المتعلمین نام کاتب را ندارند و فقط الابنیه است که نام کاتب را آورده است.

یک تاریخ کامل کتابت، به چند جزء بیان می‌شود: (۱) وقت، (۲) روز، (۳) ماه، (۴) سال (مطابق تقویم رایج)، (۵) سال جلوس پادشاه وقت، (۶) ماده تاریخ یا قطعه تاریخ.

تاریخ هم می‌تواند به حروف باشد و هم به اعداد یا هر دو. در نسخ فارسی تا قرن هفتم و هشتم و استثنائاً بعد از آن هم، تاریخ به حروف عربی است. در تاریخ‌های با اعداد، گاهی دو مسأله فهرست‌نویسان و نسخه‌خوانان را سرگردان می‌کند؛ یکی ضبط نکردن صفر و دیگری نوشتن اعداد به ترتیب معکوس است. مثلاً اگر کاتب تاریخ کتابت را فقط به اعداد ۱۸۲ نوشته است، فهرست‌نویس با توجه به قرائن دیگر آن را ۱۰۸۲ می‌خواند زیرا غیر از آن، دو صورت ممکن وجود دارد: ۱۰۱۵ یا ۱۱۰۵. در موزه ملی دهلی، نسخه‌ای از دیوان حافظ وجود دارد که ترقیمه آن به عربی است ولی تاریخ به اعداد نوشته شده یعنی ۷۵۹ ه. حال حافظ که در ۷۹۱ ه. فوت کرده آیا این نسخه در حین حیات او کتابت شده است؟ آیا در ۷۵۹ ه. دیوان او حتی گردآوری شده بود؟ پروفیسور عابدی استاد دانشگاه دهلی و نسخه‌شناس برجسته هند، این معضل را حل کرد و گفت که تاریخ را باید ۹۵۷ ه. خواند. دکتر شریف حسین قاسمی استاد دانشگاه دهلی نسخه‌ای از اخبارالاکهار در موزه سالار جنگ دیده که تاریخ «محرم سنه ۸۰۱۰» دارد. چون مؤلف کتاب شیخ عبدالحق محدث دهلوی در سال ۱۰۵۲ ه. فوت کرده است، او سرگردان بوده که این رقم را چگونه بخواند؟ اول به صورت ۱۰۸ ه. خواند که نتیجه نداشت. بعد به صورت ۸۱۰ ه. خواند و نتیجه گرفت که این رقم می‌تواند به عصر مؤلف نزدیک باشد و خواستار راهنمایی شده است. بدیهی است که این مجموعه ارقام را باید ۱۰۸۰ خواند که هیچ اشکالی ایجاد نمی‌کند. بنابراین دو نکته وجود داشته است؛ یکی اینکه صفر را نمی‌نوشته‌اند و دیگر اینکه ترتیب اعداد معکوس بوده است. در مورد ضبط تاریخ کتابت باید به این نکته توجه داشت که کاتب به تقویم رایج زمان و مکان خود توجه می‌نماید و ما با مطالعه ترقیمه‌ها به چند نوع گاهشماری برمی‌خوریم. تقویم رایج در قلمرو فرهنگی نسخه‌ها، تقویم هجری قمری است که گاهی کاتب آن را با تقویم ویا تقویم‌های منطقه خود تطبیق می‌دهد. در شبه‌قاره علاوه بر تقویم هجری قمری، کاتبان برای تطبیق یا به طور مستقل به سه نوع

است اما مواردی که در ادامه ذکر خواهیم کرد، اصلی‌ترین اجزای یک ترقیمه است.

۱. اعلام خاتمه متن کتابت: نخست کاتب، با کلمات مختلف عربی یا فارسی اعلام خاتمه کتابت متن می‌کند. انواع کلمات و ترکیبات دال بر این مضمون گاهی یک کلمه «تم» یا «تمت» و گاهی ترکیب چندین کلمه است. مثال‌های فارسی هم از این کلمات فراوان است که مثال کلاسیک می‌تواند ترقیمه شاهنامه نسخه فلورانس باشد.

۲. نام اثر و مؤلف: بعد از اعلام خاتمه کتابت متن، معمولاً نام اثر و مؤلف ضبط می‌شود. گاهی کاتبان اهل فضل در ضمن نام بردن اثر، کلمات و عبارات ستایش‌آمیز را به کار می‌برند.

۳. نام کاتب: کاتب نام خود را با اظهار عجز و انکسار و با دعا در حق خود می‌نویسد. بعضی کاتبان از خود اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری در اختیار می‌گذارند؛ یعنی نام پدر و جد خود و نیز خاندان، قبیله، حرفه، پیشه، نسبت مکانی و مذهبی و طریقتی خود را می‌آورند که در واقع شناسنامه کامل یک کاتب است. بعضی کاتبان به جای نوشتن نام خود با قلم مهرکنده، نام خود را در محل نام کاتب ثبت می‌کردند. اگر مهر تاریخدار است و تاریخ آن قدیم‌تر از تاریخ کتابت نسخه است، نشان‌دهنده آن است که آن مهر از قبل تهیه شده بوده و تاریخ کتابت نسخه همان است که کاتب با قلم خود به حروف یا اعداد ضبط کرده است.

۴. تاریخ کتابت: یکی از مهم‌ترین اجزای ترقیمه تاریخ کتابت است. حتی اگر کاتب نام خود را ننوشته باشد و فقط تاریخ را ضبط

تقویم، یکی هجری فصلی و دیگری تقویم بکر می و همچنین تقویم میلادی یا عیسوی توجه داشتند. گاه پیش می‌آید که کاتبی بی‌تجربه، ماه را از یک گاهشماری و سال را از گاهشماری دیگر ضبط می‌کند. کاتبانی که سنه جلوس را ضبط می‌کنند، معمولاً نام یا لقب پادشاه را می‌نویسند. اگر در نسخه‌ای به ضبط محل کتابت اهتمامی نشده باشد، ضبط سنه جلوس قرینه‌ای است که حوزه جغرافیایی کتابت را تعیین می‌کند. اگر کاتب در ضبط تاریخ از گاهشماری‌های مرسوم استفاده نکرده و فقط سنه جلوس را به طور ناقص ضبط کرده باشد، در تعیین تاریخ کتابت دچار مشکل می‌شویم. مثلاً اگر نوشته باشد «سنه احد جلوس» ما نمی‌دانیم منظور، جلوس کدام پادشاه است؟ یا اگر نوشته «سنه احد جلوس محمدشاه پادشاه» فقط از دیگر قرائن موجود در نسخه می‌توانیم تعیین کنیم که منظور، محمدشاه پادشاه تیموری هند است.

۵. محل کتابت: محل کتابت گاهی فقط اسم یک قریه یا قصبه یا شهر است. گاهی کاتب محل دقیق‌تر را می‌نویسد که مثلاً در فلان خانه و کوچه و محله استنساخ شد. کاتب اگر اصلش از جای دیگر بوده و به هر دلیلی در هنگام کتابت در محلی دیگر اقامت داشت، این دو موضوع را از هم تفکیک می‌کند. گاهی کاتب نام فرد یا افرادی که به هنگام پایان استنساخ در آن محل حضور داشتند را نیز می‌آورد که از این طریق زندگی فرهنگی آن زمان را می‌توان حدس زد. این قسمت از ترقیمه بسیار مهم است و از طریق آن می‌توانیم با نام بسیاری از اعلام جغرافیایی آشنا شویم.

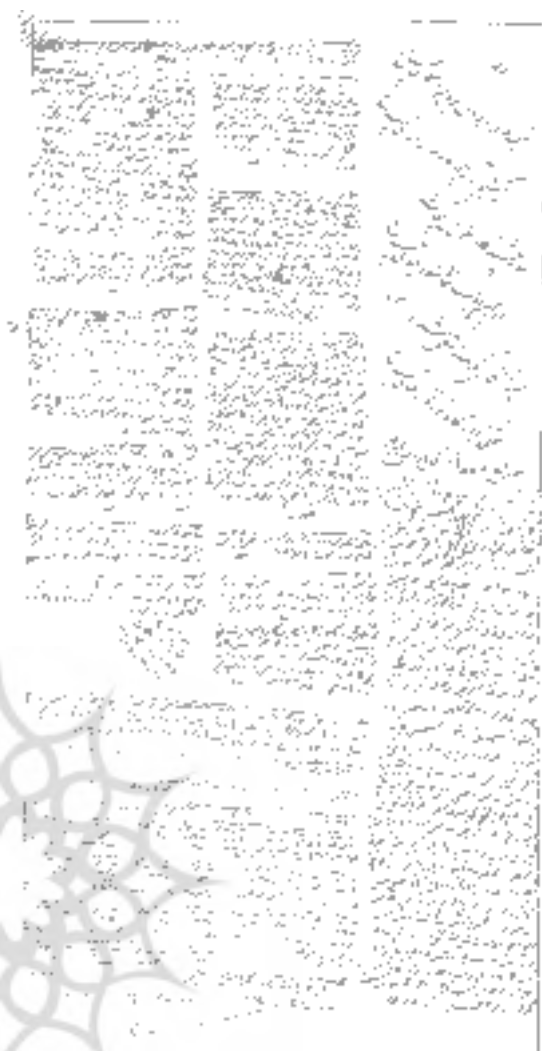
۶. ملکیت نسخه: در برخی نسخه‌ها کاتب اظهار می‌دارد که وی این کار را برای چه کسی انجام داده است. ممکن است آن را به پاس خاطر کسی نوشته باشد که این مورد هم می‌تواند در برابر دریافت مزد و هم از راه دوستی و بدون مزد باشد. این امکان نیز وجود دارد که به دستور کسی نوشته باشد که معمولاً در برابر دریافت مزد است. همچنین کاتب می‌تواند برای مطالعه خود، آن را نوشته باشد. گاه نیز ممکن است هدف از نوشتن، مطالعه فرزندان یا عزیزان نزدیک کاتب باشد. کاتب در ضمن بیان ملکیت نسخه در یک جمله هشدار می‌دهد که این نسخه از آن کیست و هر کس دیگر مدعی باشد دعوی او باطل است.

۷. خبر از نسخه‌های منقول عنه/ نسخه‌های مأخوذ: این بدان معناست که کاتب باید بگوید نسخه را از کجا نقل کرده است. بعضی کاتبان در انجامه نسخه خود اول ترقیمه نسخه منقول عنه/ نسخه مأخوذ را می‌نوشتند و بعد خود نسخه مکتوبشان را رقم می‌کرده‌اند که از این راه بر اعتبار نسخه خود می‌افزودند و برخی کاتبان اگرچه

۸. کیفیت نسخه منقول عنه/ نسخه مأخوذ: کاتبان امین، در ترقیمه خود از وضع و کیفیت نسخه منقول عنه خبر می‌دادند تا اگر خواننده‌ای در نسخه مکتوب او ایرادی ببیند، بداند که شاید در نسخه اصل چنین بوده است.

مولوی غلامحسین قریشی ساهو واله در ترقیمه شرح مخزن الاسرار از محمد بن رستم بلخی دانشگاه پنجاب ۹۰۲۴ کیفیت نسخه منقول عنه را چنین بیان کرده و عذر خود را موجه ساخته است. وی می‌گوید: «نسخه منقول عنه اغلب، کرم خورده، کهنه، دریده، فرسوده دستیاب شد. به سرعت تمام نقل برداشتن غنیمت شمرد. به شرط صحت، صحت نموده خواهد شد. و بنده در صورت امکان، حتماً این نسخه را تصحیح خواهم کرد».

نکته دیگری که لازم است در مورد آن صحبت نمایم ترقیمه کتاب‌های چند جلدی است. آثاری که متضمن چند دفتر و جلد می‌باشند مانند خمسه‌های شعرا (اگر در یک جلد کتابت شده‌اند) یا شش دفتر مثنوی مولوی، کاتب در آخر هر یک از مثنویات خمسه یا دفترهای مثنوی یک ترقیمه کوتاه متضمن تاریخ کتابت می‌نوشت و ترقیمه کامل و جامع را در پایان آخرین دفتر می‌نوشت. مجموعه‌های رسائل مختلف نیز همین‌طور است. در مجموعه‌های رسائل رشید الدین محمد وطواط، کاتب در پایان هر رساله ترقیمه مستقل آورده است. گاهی کاتب در یک مجموعه رسائل و کتب، از فضای حوض (متن) و حاشیه، هر دو استفاده می‌کرد. رسائلی که در حاشیه که ختم می‌شد، ترقیمه آنها را مختصر می‌نوشت و ترقیمه جامع را در خاتمه اثر اصلی در حوض (متن) می‌آورد.

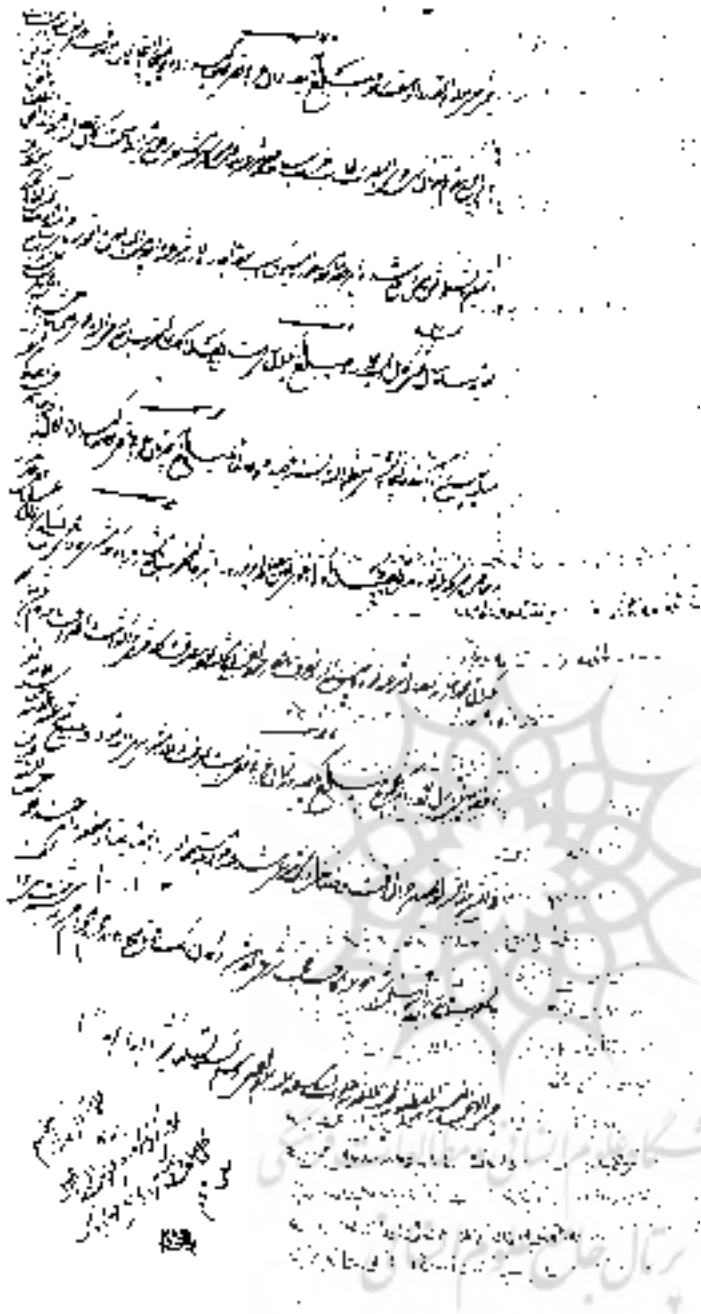


که خود نشانگر حاکمیت فرهنگی زبان فارسی در آن سامان است. البته برای نسخه‌های اردو، ترقیمه‌هایی به عربی و دیگر زبان‌های محلی نیز داریم. کاتبان فاضل و متأثر از فرهنگ فارسی در شبه‌قاره حتی تا اواخر قرن بیستم هم برای کتاب‌های اردو، ترقیمه‌ها را به فارسی می‌نوشته‌اند. گاه در شبه‌قاره به ترقیمه‌های دوزبانه و مخلوط هم برمی‌خوریم یعنی در یک ترقیمه نصف عبارت به عربی است و نصف دیگر به فارسی یا نصف عبارت به فارسی و نصف دیگر به اردو است. تا اینجا ما تقریباً به همه اجزای ترقیمه که اجزای مهمی بود اشاره کردیم. اما ترقیمه‌های بلندی نیز وجود دارد که من در اینجا آن را ترقیمه‌های بلند عالمانه، منشیانه و شاعرانه می‌نامم. بسیاری از ترقیمه‌ها از حالت عادی و معمول یک ترقیمه فراتر رفته و به یک انشا و یا به قطعه شعری کوتاه تبدیل شده‌اند و کاتب با شیفتگی و عشق تمام یا اثر و مؤلفش را وصف می‌کند یا چگونگی به دست آوردن نسخه را بیان می‌کند. یا درد دل می‌کند که با چه سختی و مشقتی نسخه را به دست آورده و استنساخ کرده است. کاتب تمام این‌گونه مضامین را در قالب ترقیمه‌ای یا یک انشای بلند یا اشعاری می‌گنجانید. برای نمونه ترقیمه «مخزن الانشاء»، «طرب مجالس»، «دیوان مظهر جان جانان» و نیز «طب اکبر» از جمله این موارد است. در نسخه‌ای که بنده از «طرب مجالس» در اختیار داشتم، مؤلف کتاب مشخص نبود. بعدها من به تذکره دولتشاه سمرقندی مراجعه کردم و اسم مؤلف را یافتم. از اینجا مشخص می‌شود که حفظ اسم مؤلف چقدر مهم است و معلوم می‌شود که کاتب فاضل برای حفظ نام مؤلف چقدر زحمت می‌کشیده است.

بحث بعدی، مربوط به ترقیمه‌های منظوم است. ترقیمه منظوم ترقیمه‌ای است که تمام آن به نظم است. کاتبانی که طبع شعری داشتند، گاه در ترقیمه، طبع خود را ظاهر می‌کردند و ترقیمه را به طور کامل به نظم می‌نوشتند و یا بخشی از آن را که معمولاً تاریخ کتابت بوده به رشته نظم می‌کشیدند.

اما چه فوایدی می‌توان از ضبط ترقیمه‌ها به دست آورد؟ گاهی به نسخه‌ای برمی‌خوریم که برگ‌های اولیه‌اش افتاده است. چون معمولاً نام مؤلف و اثر در مقدمه ضبط می‌شود، ممکن است فهرست‌نویس یا هر کسی که با آن نسخه سر و کار دارد در تشخیص نسخه یا دشواری مواجه شود. اگر آن نسخه در آخر کامل است و ترقیمه جامع دارد و کاتب حداقل نام خود را نوشته است، می‌تواند به شناخت کتاب کمک کند. گاهی کاتبان ترقیمه نسخه مأخوذ را می‌نوشتند ولی ترقیمه خود را نمی‌نوشتند که این مشکل می‌تواند تاریخ‌نویس را سرگردان کند. زیرا تاریخ‌نویسان با توجه به قرائن موجود متوجه می‌شوند که نسخه

نکته دیگر، یادداشت‌ها به جای ترقیمه است. بسیاری از نسخه‌ها ترقیمه ندارند، اگر هم داشته باشند، نام کاتب در آنها ذکر نشده است. در بعضی نسخه‌ها دیده شده است که در کنار ترقیمه یا در ظهر برگ اول فردی آشنا با کاتب، یادداشتی می‌نوشت که این نسخه به خط فلان شخص است و گاهی نویسنده یادداشت، خویشاوندی خود یا کاتب نسخه را نیز در یادداشت خود متذکر می‌شود. معمولاً در نسخه‌های متعلق به یک خاندان این‌گونه یادداشت‌ها دیده شده است و فرزند در یادداشت خود می‌نویسد که این نسخه به قلم پدر اوست. در گنجینه مفتی، در آرشیو ملی پاکستان که متعلق به یک خاندان علمی است، مفتی فضل عظیم یکی از وارثان علمی این خاندان مکرر در حاشیه نسخه‌ها نوشته بود که این نسخه به خط فلان جد اوست. در مورد زبان ترقیمه‌ها با توجه به زبان اثر باید بگوییم که اگرچه کاتبان توجه داشتند اثری را که کتابت می‌کردند، ترقیمه آن نیز به همان زبان باشد، اما در بسیاری از موارد از این اصول تخلفی شده است، مثلاً نسخه‌های عربی، ترقیمه‌های فارسی دارند و بالعکس و یا مثلاً در نسخه‌های اردو، اکثریت ترقیمه‌ها به زبان فارسی است



متعلق به قرن دوازدهم است، اما تاریخی که ذکر شده است ۶۹۲ هـ است و این دو با هم همخوانی ندارد. بنابراین معلوم می‌شود که ترقیمه نوشته شده، متعلق به نسخه‌ای است که کاتب در اختیار داشته و خودش تاریخ کتابت را نوشته است.

فایده دیگری که من متوجه آن شده‌ام این است که در کتابخانه‌های مختلف، از کاتبان مختلف، نسخه‌های مختلف یافت شده است. مثلاً من در مدینه منوره دو نسخه از مثنوی مولوی را یافتم که متعلق به کاتبی به نام محمد بن عیسی الحافظ المولوی القنوی بود. نسخه اول مورخ ۷۷۰ هـ و دیگری مورخ ۷۸۷ هـ بود. بعدها در حین تورق فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، متوجه شدم که این کتابخانه نیز نسخه‌ای مستقل از مثنوی به قلم همین کاتب دارد. این هم نسخه‌ای کامل است. پس ضبط ترقیمه می‌تواند این فایده را داشته باشد که ما از یک کاتب، نسخه‌های مختلف در کتابخانه‌های مختلف پیدا کنیم. نکته مهم دیگری که من در کتابخانه مختلف در زمینه ضبط ترقیمه‌ها بدان پی بردم، این است که یک نفر ممکن است به یک نوع اثر علاقه‌مند شود و مکرراً همان یک نوع را کتابت کند. مثلاً محمد رفیع نامی علاقه‌ای به دیوان واله داغستانی داشت و لااقل چهار نسخه دیوان به قلم او تا به حال کشف شده است. علاوه بر دیوان واله، نسخه مثنوی واله و سلطان، سروده «شمس الدین فقیر دهلوی» در موزه ملی پاکستان نیز به خط محمد رفیع ۱۱۶۲ هـ است که به اهتمام ممتاز حسن در ۱۹۷۱ م. در کراچی چاپ شده است. همچنین من از

«شبستان نکات» فتاحی نسخه‌ای دیدم که کاتب آن نوشته بود: «من همیشه شبستان نکات را کتابت می‌کردم» و نشانی چندین نسخه را به ما داده است و یا مثلاً تذکره «مجمع‌النقایس» از سراج‌الدین علی خان آرزو که از لحاظ حجم و تعداد شعرا از بزرگ‌ترین تذکره‌های فارسی است، کاتبی سه نسخه از این کتاب را کتابت کرده است.

منبع اصلی دسترسی به ترقیمه، خود نسخه‌های خطی و سپس فهرست‌هایی است که نسخه‌های خطی را مشروحاً معرفی می‌کنند. غیر از این، نوعی منبع نیز می‌تواند ما را به عبارت ترقیمه‌ها راهنمایی کند و آن مجموعه بیاض‌ها و جنگ‌هاست. من در لاهور، بیاضی از علی‌اکبر باخرزی دیدم. این شخص در حدود سال ۱۰۴۶ هـ متولد شد

و به طلب جاه و منصب، وطن خود را ترک گفته، به هندوستان رفت و از ۱۰۸۲ تا ۱۰۹۴ در کشمیر بود. او کاتب حرفه‌ای بود و کتاب‌های متعدد استنساخ می‌کرد و برای هر یکی خاتمه‌ها و ترقیمه‌های بلند منشیانه و شاعرانه می‌نوشت. به نسخه‌های استنساخ‌شده او دسترسی نداریم؛ اما خود دیباچه‌ها و خواتیم و تواریخ نسخ را که به دستخط خود نوشته بود، در یکی از بیاض‌های خود آورده است.

آسیب‌شناسی ترقیمه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، ترقیمه‌های سالم و بدون خدشه اما مزور است؛ بدین معنی که کاتب در آن تزویری کرده است و مهم‌ترین نمونه آن نسخه گلستان سعدی است که در ترقیمه به دستخط یاقوت مستعصمی در



کاتب و مالک و تاریخ کتابت دست می‌برده‌اند و مخصوصاً تاریخ دیگری را می‌نوشتند. از این‌گونه نسخه‌های جنجال‌آفرین، شاهنامه نسخه فلورانس است که پیرامون آن بحث زیادی شده است و در «نامه بهارستان» مقاله‌های مختلفی در این زمینه چاپ شده است. نظر مایل هروی این است که ترقیمه آن خلاف عادت نسخه‌نویسان سده هفتم هجری در خصوص ترقیمه‌نویسی است. بررسی و تفتیش تطبیقی نسخه مذکور هم نشان می‌دهد که نسخه مورد بحث (فلورانس) با همه ضبط‌های نادرست آن، مجعول است و ترقیمه مزور آن نمی‌تواند بر اعتبار آن بیفزاید. همچنین در ترقیمه‌هایی که به عبارت عربی می‌باشند کلمه «تسع» را «سبع»، «سبعمائه» را به «ستمائه»، یا «سبعمائه» را به «ستمائه» تبدیل کردن آسان است. گاهی این کار با چنان ظرافتی انجام می‌گیرد که در نگاه اول تشخیص سره از ناسره مشکل است. چیزهای فرعی هم در ترقیمه‌ها فراوان است. مثلاً گاه کاتب نام خود را به طور مرموز نوشته است. برای نمونه عددهایی نوشته که باید عددها را سر هم کرد و اسم را پیدا کرد. گاه نیز کاتبان اطلاعات جالبی از حالت‌های خود نوشته‌اند؛ مثلاً در یکی از نسخه‌های خطی تذکره «ریاض‌الشعراء» علی قلی خان واله داغستانی نوشته شده که این تذکره به دست کاتبی در سند کتابت شده است که هر دو دست او را بریده بودند و او تمام تذکره را احتمالاً با پای خود نوشته است. کاتب این نسخه محمد عالم است. جریان بریده شدن دو دست او از این قرار است که وی کاتب یکی از درباریان محلی سند، شخصی به نام میرغلامعلی خان بوده و مهر او در اختیار این کاتب بوده است و کاتب از مهر این شخص سوءاستفاده می‌کرده است و به همین علت میرغلامعلی خان او را تنبیه کرده و دو دستش را بریده است.



سال ۶۸۸ هـ منسوب شده و به اهتمام بهرام افراسیابی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو، تهران ۱۳۸۵ به نام یاقوت چاپ شده است ولی تزویر و تلبیس کاتب بر همه معلوم است. در برخی موارد نیز کاتب فقط ترقیمه نسخه منقول عنه/ مأخذ را نوشته و خود رقم نزده است. بیننده در نگاه اول گمان می‌کند که کاتب نسخه و تاریخ کتابت همان است، ولی در واقع این طور نیست و بیننده باید از نوع خط و کاغذ و صحافی و قراین نسخه تشخیص دهد که نسخه متأخر از آن تاریخ است. همچنین گاه کاتب به عمد تاریخ قدیم‌تر می‌نویسد که نسخه از لحاظ قدمت اعتبار پیدا کند. درحالی که از وجنات نسخه آن تاریخ تأیید نمی‌شود. گاهی نیز ترقیمه از لحاظ تاریخ ناقص است یعنی کاتب فقط ماه را نوشته و ضبط سال را فراموش کرده است. و در مواردی هم کاتب پس از ضبط تاریخ، نشانه تقویم و گاهشماری را به سهو نوشته است. مثلاً مجموعه عرفانی فی شرح مجموعه سلطانی مکتوبه درویش محمد، به سال ۱۰۹۲ بکر می، در لاهور که در اینجا در واقع به جای بکر می، هجری اصح‌تر است. گاهی نیز کاتب در ترقیمه از روی ناآگاهی یا به عمد نام اثر و مؤلف را اشتباه نوشته است که می‌تواند فهرست‌نویس را گمراه کند. در فهرست‌ها از این‌گونه مثال‌ها زیاد دیده شده که فهرست‌نویس به ترقیمه اعتماد کرده و اطلاعات را به فهرست خود انتقال داده ولی این اطلاعات در خصوص نام کتاب و مؤلف درست نبوده است. مورد دوم ترقیمه‌های ناسالم و خدشه‌دار است که در زمان‌های متأخر، نسخه‌داران یا نسخه‌فروشان در نام